



مجتمع آموزش عالی فقه
مدرسه عالی فقه تخصصی
رساله دکتری
فقه تربیتی

عنوان:

وظایف حکومت اسلامی در تربیت سیاسی جامعه از منظر فقه اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین مجید طرقی

استاد مشاور:

حجت الاسلام محمد جواد نوروزی

دانش پژوه:

ناظم حسین اکبر

۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ✓ «مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه بر عهده نویسنده است.»
- ✓ «هرگونه استفاده از مطالب این پایان نامه با ذکر منبع بلااشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از جامعه المصطفی - العالمیه می باشد.»

تقدیم به:

پیشگاه خاتم الأنبياء پیامبر رحمت حضرت محمد-

و خاتم الأوصياء منجی بشریت وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالى فرجه
الشریف.

تقدیر و تشکر از:

استاد محترم حجت الاسلام و المسلمین مجید طرقی که سال‌ها در خدمت ایشان کسب علم نموده از راهنمایی ایشان بهره بردم.

استاد محترم حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد نوروزی که زحمت مشاوره این اثر بر عهده ایشان قرار گرفت.

چکیده:

یکی از ساحت‌های مهم تربیت اسلامی، تربیت سیاسی است که در آن تعلیم و تربیت متریبان طبق آموزه‌های سیاسی اسلام برای ایفای وظائف سیاسی‌شان مد نظر است. حکومت در کنار عوامل مختلف تربیت نظیر والدین، معلمان و عالمان دینی، در تحقق اهداف و اصول و برنامه‌های تربیتی اسلام تأثیرگذار است. حاکمیت دینی با برخورداری از ولایت و موقعیت ویژه حاکمیتی و معنوی، مسئولیتی مهم در تعلیم و تربیت مردم در ساحت‌های مختلف اعتقادی، عبادی، اخلاقی، عاطفی و به خصوص تربیت سیاسی آنها بر عهده آن قرار دارد.

در تربیت سیاسی شهروندان آماده‌ساختن آنها برای عمل به وظائف سیاسی و نیز فراهم ساختن زمینه تأمین آزادی و حقوق سیاسی مردم مد نظر است. جامعه ولایتمدار و حامی ارزش‌های سیاسی اسلامی در قبال حکومت احساس مسئولیت و وفاداری داشته و در تمام عرصه‌های مورد نیاز به حضور و پشتیبانی مردمی، حکومت را با قدرت همراهی می‌کند.

اهمیت پژوهش در این عرصه به خاطر آن است که سیاست و حکومت از ارکان تأثیرگذار اساسی در جامعه اسلامی و دینی است. تجلی فقه در عرصه جامعه برای حفظ عزت و اعتلاء داخلی و بین‌المللی اسلام و مسلمانان در برابر کفار و اجرای قوانین اجتماعی اسلامی به حکومت صالح اسلامی وابسته است. تفرقه‌گرایی، نزاع و تعصب‌ورزی و در نهایت عقب‌افتادگی و دنباله‌روی دیگران از ویژگی‌های جوامع معاصر مسلمان است و راه احیای عناصر جوامع اسلامی و عزت و شوکت مسلمانان، تحول در حاکمیت اسلامی است تا زمینه مشارکت مردم در امور سیاسی را فراهم ساخته، با تحول در رشد سیاسی مردم، جامعه را برای انجام وظائف سیاسی فعال نموده و یاری دهد. ولذا این پژوهش در صدد است در راستای تبیین نظام مطلوب مردم‌سالاری دینی متناسب با نیازهای جامعه اسلامی به بیان وظائف حکومت اسلامی در تربیت سیاسی پردازد.

پژوهش فقهی مبتنی بر شیوه متعارف فقها در مراجعه به ادله قابل استناد شرعی برای کشف حکم شرعی در این مسأله است که پیگیری آن علاوه بر اینکه حاکی از امکان و نیز ضرورت حضور فقه در این عرصه است، می‌تواند نگاه حاکمیت اسلامی درباره وظائف حکومت در مقوله تربیت

سیاسی را تغییر داده و به اصلاح بسیاری از روندها کمک کند. برای این منظور به برخی ادله و قواعد عامه فقهی تمسک شده است. حکم فقهی مستفاد از قواعد عامه سیاسی (اجتماعی) و خوب تربیت سیاسی مردم بر حکومت اسلامی است. ادله خاصه از جمله سیره عقلا در این مسأله می‌تواند مفید و خوب عینی تعیینی تربیت سیاسی در عرصه برنامه‌ریزی، تدوین سیاست‌ها و قوانین، اجرا و نظارت باشد. بی توجهی به انجام این مسئولیت، چنانچه موجب تضییع حقوق و خسارت شهروندان شود، حکومت ضامن است. در تربیت سیاسی اولویت اصلی را حکومت تعیین می‌کند؛ خانواده نیز، با رعایت مصالح حکومت باید به وظیفه‌اش عمل کند.

چنانکه بسیاری از متفکران مسلمان یادآوری کرده اند، نتایج تربیت سیاسی مردم در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی و امنیتی داخلی و بین‌المللی مشهود و قابل توجه و شرط شکل‌گیری جامعه اثرگذار، پویا و زنده و بانشاط اسلامی است. فقدان آن نیز موجب ایجاد فضای استبداد و اختناق و یأس و نومیدی و از موانع مهم پیشرفت جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: فقه تربیتی، تکلیف، مربی، تربیت سیاسی، حکومت.

۱۳	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱۴	۱. شناسه پژوهش؛ چارچوب تحقیق
۱۴	۱-۱. بیان مسئله
۱۶	۲-۱. سؤال‌های پژوهش
۱۶	۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش
۲۰	۴-۱. محدودیت‌های انجام پژوهش
۲۱	۵-۱. روش پژوهش
۲۲	۲. مفاهیم
۲۲	۱-۲. مفهوم «وظیفه»
۲۴	۲-۲. «حکومت»
۲۵	۱-۲-۲. «حکومت اسلامی»
۲۶	۱-۲-۲. شخصیت حقیقی یا حقوقی حاکم
۲۹	۳-۲. مفهوم «فقه»
۳۰	۴-۲. مفهوم «تربیت»
۳۳	۵-۲. مفهوم «سیاست»
۳۵	۶-۲. مفهوم «تربیت سیاسی»
۳۸	۷-۲. مفهوم «جامعه»
۴۱	۸-۲. نسبت مفهوم «تربیت سیاسی» با «تربیت اجتماعی»
۴۲	۳. پیشینه پژوهش
۴۳	۱-۳. پیشینه تربیتی
۵۰	۲-۳. پیشینه فقهی
۵۵	فصل دوم: ادله و وظیفه‌مندی حکومت در تربیت سیاسی جامعه
۵۷	۱-۲. قواعد و ادله عامه فقهی
۵۹	۱-۱-۲. قواعد عامه مطلق
۵۹	۱. قاعده وجوب حفظ نظام
۶۰	حفظ نظام در قاعده «لزوم حفظ نظام»
۶۱	بررسی ادله قاعده حفظ نظام
۶۴	احکام مبتنی بر قاعده
۶۷	دایره شمول قاعده
۷۰	نقش حاکمان در تربیت سیاسی مبتنی بر قاعده حفظ نظام
۷۴	۲. قاعده اعانه‌ی بر بر
۷۴	مفهوم «اعانه»
۷۷	ادله قاعده اعانه بر بر
۷۹	جریان قاعده در تربیت سیاسی جامعه

۸۰	۳. قاعده حفظ علو اسلام و عزت مسلمانان
۸۱	ضرورت دینی شرافت و علو اسلام
۸۳	۴. قاعده لزوم اهتمام به امور مسلمانان
۸۳	ادله قاعده اهتمام به امور مسلمین
۸۹	تقریر دلالت دلیل بر تربیت سیاسی جامعه
۹۱	۲-۱-۲. قواعد عامه تربیتی
۹۱	۱. قاعده ارشاد جاهل
۹۳	دلیل قرآنی؛ آیه شریفه «نفر»
۹۸	اقتضای قاعده در تربیت سیاسی جامعه
۹۹	۲. قاعده امر به معروف و نهی از منکر
۱۰۳	تطبیق دلیل بر تربیت اجتماعی جامعه
۱۰۵	۳. قاعده هدایت
۱۰۷	نسبت مفهوم هدایت و تربیت
۱۰۸	دلیل قرآنی؛ آیه ۱۰۴ سوره آل عمران
۱۱۰	تعمیم مفاد آیه شریفه از امام به حاکم غیر معصوم
۱۱۰	قلمرو مفهوم هدایت در آیه شریفه
۱۱۰	دلالت و اقتضای قاعده در تربیت
۱۱۲	۲-۲. ادله عامه
۱۱۲	۱. حکم عقل
۱۱۴	تقریب استدلال
۱۱۴	بیان دیگر در تبیین استدلال به دلیل عقل
۱۱۵	۲. عهدنامه مالک اشتر
۱۱۷	بررسی سندی
۱۲۰	بررسی دلالی
۱۳۰	۳-۲. دلیل خاص؛ سیره عقلا
۱۳۲	تقریب استدلال به سیره عقلا
۱۳۳	جمع‌بندی بررسی ادله
۱۳۵	فصل سوم: وظائف حکومت در برنامه ریزی، قانونگذاری، اجرا و نظارت بر تربیت سیاسی
۱۳۶	۱-۳. ۱-۱-۳. معنای برنامه ریزی
۱۳۸	۲-۱-۳. اهمیت و ضرورت و جایگاه برنامه ریزی
۱۳۹	۳-۱-۳. فواید برنامه ریزی
۱۴۰	۴-۱-۳. مسئولیت برنامه ریزی

- ۱۴۱-۵-۶. تبیین فقهی وظیفه مندی حکومت اسلامی در برنامه ریزی تربیت سیاسی ۱۴۱
- ۱۴۴-۳-۲. وظیفه حکومت اسلامی در قانونگذاری تربیت سیاسی جامعه ۱۴۴
- ۱۴۴-۳-۲-۱. معنای قانون ۱۴۴
- ۱۴۶-۳-۲-۲. تقسیم بندی قانون ۱۴۶
- ۱۴۶-۱. قوانین موضوعه ۱۴۶
- ۱۴۷-۲. حقوق طبیعی ۱۴۷
- ۱۴۷-بررسی انطباق دیدگاه اسلام با حقوق طبیعی ۱۴۷
- ۱۴۸-۳-۲-۳. هدف قانونگذاری در اسلام ۱۴۸
- ۱۵۰-۳-۲-۴. اسلام و قانونگذاری حکومت و جامعه ۱۵۰
- ۱۵۱-۳-۲-۵. احکام ثابت و متغیر ۱۵۱
- ۱۵۳-۳-۲-۶. وظائف حاکمان نزد فقهای شیعه ۱۵۳
- ۱۵۴-۳-۲-۷. تبیین فقهی وظیفه حکومت اسلامی در قانونگذاری تربیت سیاسی ۱۵۴
- ۱۵۶-۳-۳. وظیفه حکومت اسلامی در مجری گری تربیت سیاسی جامعه ۱۵۶
- ۱۵۸-۳-۳-۱. قلمرو تصدیگری حاکمیت اسلامی ۱۵۸
- ۱۶۰-۳-۳-۲. تصدی گری حاکمیت اسلامی از منظر دینی ۱۶۰
- ۱۶۱-۳-۳-۳. تصدی گری حاکمیت اسلامی از منظر فقهی ۱۶۱
- ۱۶۴-۳-۳-۴. ادله فقهی اثبات تصدی گری فقیه ۱۶۴
- ۱۶۵-۱. دلیل عقل ۱۶۵
- ۱۶۶-۲. ادله روایی ۱۶۶
- ۱۷۲-تبیین تصدی گری فقیه بر امور جامعه ۱۷۲
- ۱۷۴-۳-۳-۵. تصدی گری حاکمیت اسلامی بر تربیت سیاسی جامعه ۱۷۴
- ۱۷۶-۳-۴-۴. وظیفه حکومت اسلامی در نظارت بر فرایند تربیت سیاسی ۱۷۶
- ۱۷۶-۳-۴-۱. مفهوم نظارت ۱۷۶
- ۱۷۸-۳-۴-۲. اهمیت و ضرورت نظارت ۱۷۸
- ۱۷۸-۳-۴-۳. نظارت از منظر دینی ۱۷۸
- ۱۷۹-۳-۴-۴. فلسفه نظارت ۱۷۹
- ۱۸۰-۳-۴-۵. اثبات نظارت فقیه از منظر فقهی ۱۸۰
- ۱۸۴-۳-۴-۷. نظارت حاکمیت اسلامی بر تربیت سیاسی جامعه ۱۸۴
- ۱۸۶-فصل چهارم: حکم ترک و تراحم وظیفه تربیت سیاسی میان حکومت و والدین ۱۸۶
- ۱۸۷-۴-۱-۱. حکم ضمان و خسارت ترک وظیفه تربیت سیاسی مردم توسط حکومت ۱۸۷
- ۱۸۷-۴-۱-۱. اصل خطاپذیری حکومت ۱۸۷
- ۱۹۴-جمع بندی بررسی خطاپذیری حاکمیت ۱۹۴
- ۱۹۵-۴-۱-۲. ضمان و مسئولیت حکومت ۱۹۵

۱۹۵ مفهوم ضرر و زیان و خسارت
۱۹۷ مفهوم ضمان
۱۹۹ حقیقت ضمان
۲۰۰ ۳-۱-۴. حکم ضمان از منظر فقهی
۲۰۱ ادله عامه
۲۰۱ قاعده "لاضرر"
۲۰۳ دامنه شمول قاعده "لاضرر"
۲۰۶ استناد به قاعده لاضرر
۲۰۷ قاعده لاجرح
۲۰۸ بنای عقلا
۲۰۸ ۴-۱-۴. ادله ضمان حکومت از منظر فقهی
۲۰۹ ۱. ضمان خطای قاضی
۲۱۲ ۲. جبران خطای کشته های بنی جذیمه توسط پیامبر خدا
۲۱۴ ۲-۴. حکم تزامم انجام وظیفه تربیت سیاسی میان حکومت اسلامی و والدین
۲۱۵ ۴-۲-۱. وظیفه مندی عوامل مختلف در تربیت
۲۱۷ ۴-۲-۲. حدود وظیفه حکومت در تربیت
۲۲۱ ۴-۲-۳. فروع
۲۲۱ ۱. وظیفه حکومت در رفع تزاممات تربیتی
۲۲۲ ۲. اولویت و تقدم حکومت در مسائل اجتماعی و سیاسی
۲۲۳ ۳. توجه خطابات متعدد سبب تأکد تکلیف و مجازات
۲۲۳ ۴. عدم لزوم مباشرت و کفایت تسبیب
۲۲۵ فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
۲۲۶ ۵-۱. مروری بر سیر بررسی مسئله
۲۲۶ ۵-۲. یافته ها و گزاره های فقهی
۲۲۶ الف: اصل وظیفه مندی حکومت اسلامی در تربیت سیاسی جامعه
۲۲۷ قواعد
۲۲۸ ۱. ادله عامه
۲۲۹ ۲. دلیل خاص؛ سیره عقلا
۲۲۹ ب: وظائف خاص حکومت اسلامی در تربیت سیاسی جامعه
۲۳۰ ۱. برنامه ریزی
۲۳۰ ۲. قانون گذاری
۲۳۰ ۳. اجرا
۲۳۱ ۴. نظارت

۲۳۱	ج: ترک وظیفه و تزاحم با عوامل تربیت
۲۳۱	۱. ضمان ترک وظیفه
۲۳۲	۲. تزاحم انجام وظیفه
۲۳۲	۳-۵. پیشنهادات نظری و عملی
۲۳۲	الف: پیشنهادات نظری
۲۳۳	ب: پیشنهادات عملی
۲۳۵	فهرست منابع

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱. شناسه پژوهش؛ چارچوب تحقیق

توسعه و پیشرفت مرزهای علم و دانش بشری از گذشته تا به امروز همواره مبتنی بر کنکاش و پژوهش و تحقیق بوده است. انجام پژوهش در علوم و دانش‌های مختلف لوازمی دارد که از جمله آنها تعیین موضوع، توجه به سؤال‌ها و ابهام‌های مطرح، روش پژوهش در مسأله و نیز پیشینه پژوهش در آن است. در این راستا لازم است سؤال‌هایی که ذیل مسأله مطرح است، به صورت مشخص تعیین شود تا محقق برای یافتن پاسخ به آن تلاش کند. بررسی هر مسأله علمی به روش‌های علمی و معتبر گوناگون ممکن است صورت گیرد. عالمان هر علمی بر اساس روشی که صاحب‌نظران آن معتبر شمرده‌اند، پژوهش خویش را سامان می‌دهند. علاوه بر این، با توجه به اینکه در مسائل مختلف معمولاً در گذشته پژوهش‌های علمی صورت گرفته و ذخایر علمی وجود دارد، برای توسعه و فرابردن مرزهای دانش و میراث موجود، همچنین پیشگیری از انجام کارهای تکراری و نیز آشنایی با نتایج کنکاش محققان و صاحبان فکر و نظر در مسأله باید کاوش‌های پیشین بررسی شود. بر این اساس، در ابتدای این پژوهش پس از بیان مسأله، سؤال‌های تحقیق، روش و پیشینه پژوهش ارائه می‌شود.

۱-۱. بیان مسئله

در اندیشه سیاسی اسلام، حکومت اسلامی عهده‌دار رسالتی متمایز و بسیار مهمتر از سایر حکومت‌ها است. حکومت اسلامی که تدبیر امور زندگی مردم در اختیار آن است، در حقیقت استمرار حرکت و رسالت پیامبر خاتم- و پیشوایان الهی در اقامه دین و شکل‌گیری جامعه‌ی مطلوب دینی است که در آن مردم با فهم درست درباره جایگاه حاکمیت و ولایت خداوند و اولیای الهی و ولایت حاکمان مشروع با تبعیت از حکومت حول محور واحد گردهم آمده،

فعالانه در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت می‌نمایند. در چنین حکومتی حاکمان و کارگزاران، وظائف تربیتی افزون‌تر از سایر حکومت‌ها بر عهده دارند، یعنی علاوه بر وظائف متعارف، وظائف خاصی نیز در تعلیم و تربیت سیاسی مردم بر عهده دارند.

در این نوشتار بررسی وظائف حکومت اسلامی در تربیت سیاسی جامعه به شیوه فقهی مد نظر است. فقها در دانش فقه، برای تمام رفتارهای اختیاری مکلفین، احکام الزامی و غیر الزامی (شامل بایدها و نبایدهای شرعی) تعیین می‌کنند؛ از آنجا که بخشی از رفتارهای اختیاری افراد مکلف، امور مربوط به تعلیم و تربیت است، در موضوعات و مسائل حوزه تعلیم و تربیت با تکیه بر روش فقهی اجتهادی به شیوه متعارف فقهی، تلاش می‌شود احکام مربوط به وظائف تربیتی مکلفین به عنوان عوامل تربیت و نیز حکم فروع ذیل آن استنباط و تعیین شود.

سؤال پژوهش حاضر این است که از دیدگاه فقه اسلامی حکومت اسلامی چه وظیفه‌ای در تربیت سیاسی مردم بر عهده دارد؟ به سخن دیگر از منظر فقه اسلامی مسئولیت حاکم اسلامی درباره افزایش آگاهی سیاسی، ایجاد نشاط و تحرک سیاسی و متعهد نمودن مردم به ایفای وظائف در قبال حکومت و تمهید مقدمات لازم برای بهره‌مندی مردم از آزادی‌ها و حقوق سیاسی‌شان چیست؟ علاوه بر این از دیدگاه فقه تکلیف حکومت اسلامی درباره روند تربیت سیاسی از جمله برنامه‌ریزی، قانونگذاری، اجرا و نظارت بر آن چیست؟ آیا در صورتی که حکومت به وظیفه خویش در تربیت سیاسی جامعه عمل نکند به نحوی که موجب تضییع حقوق مردم شود، ضامن خسارت وارد شده خواهد بود؟ اگر ضامن است، چه چیزی را ضامن خواهد شد؟ چه کاری را باید در قبال خسارت انجام دهد؟ جبران‌کننده خسارت کیست؟

این رساله در صدد است با مراجعه به قرآن و سنت معصومین (ع)، با رویکرد فقهی وظیفه حکومت اسلامی درباره تربیت سیاسی جامعه و مسائل مطرح در این خصوص را استخراج نماید.

۱-۲. سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی:

از منظر فقه اسلامی حکومت اسلامی چه وظایفی در تربیت سیاسی جامعه دارد؟

سؤال‌های فرعی:

۱. مراد از حکومت، حکومت اسلامی، وظیفه، تربیت، سیاست، تربیت سیاسی و جامعه چیست؟
۲. وظائف حکومت اسلامی در برنامه ریزی تربیت سیاسی جامعه چیست و ادله آن کدام است؟
۳. وظائف حکومت اسلامی در قانون گذاری تربیت سیاسی آحاد جامعه چیست و ادله آن کدام است؟
۴. وظائف حکومت اسلامی در مدیریت تربیت سیاسی آحاد جامعه چیست و ادله آن کدام است؟
۵. وظائف حکومت اسلامی در نظارت تربیت سیاسی جامعه چیست و ادله آن کدام است؟
۶. حکم تزاخم میان شیوه تربیتی حکومت اسلامی با شیوه تربیتی والدین چیست؟

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش در حوزه فقه تربیت سیاسی تحقیقی میان رشته ای است که با هر دو دانش فقه و تعلیم و تربیت و علم سروکار دارد؛ از این جهت نیازمند تامل و بررسی تربیتی و فقهی دقیق

است. با اینکه در موضوع تربیت سیاسی تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته، اما بررسی این موضوع از منظر فقه سابقه قابل توجهی ندارد.

تربیت سیاسی می‌تواند با اصلاح ارتباط و تعامل بین حکومت و مردم زمینه مشارکت مردم در امور جامعه و کشور را فراهم ساخته، به صورت بالقوه و بالفعل در توسعه مادی و معنوی جامعه مؤثر باشد؛ چراکه دست‌یابی به اهداف سیاسی اجتماعی مستلزم وجود فرهنگ سیاسی قدرتمندی جهت تأمین شرایط مناسب که از راه پرورش سیاسی دست‌یافتنی است؛ زیرا تربیت سیاسی موجب ایجاد فضایی امن و پرشور و نشاط برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، ترسیم اهداف مشترک و همسویی و هماهنگی تمام نیروها می‌شود.

تربیت سیاسی، جوامع را از انحراف سیاسی مصون می‌دارد. اگر آحاد جامعه تربیت شوند، قدرت فهم، تجزیه و تحلیل، توانایی مشارکت موضع‌گیری افراد جامعه در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی ارتقاء پیدا می‌کنند؛ و سیاست‌بازان نمی‌توانند به سادگی جامعه را از مسیر رشد و تعالی منحرف نمایند. مردم سالاری دینی به عنوان مدل مناسب تعامل و کنش سیاسی حکومت با مردم در جامعه اسلامی نیازمند تبیین علمی است و با توجه به نقش تعلیم و تربیت و اهمیت تربیت سیاسی متربیان در ساماندهی نظام سیاسی و اجتماعی مطلوب اسلام، بررسی فقهی وظایف مربیان به خصوص حاکمان که دست‌اندرکار سیاست و حکومت هستند، در این عرصه ضروری است.

توصیه‌های مکرر به قانون‌مندی و اجرای حدود، تعهدمندی و وظیفه‌شناسی، التزام به نظم در امور، رعایت حقوق دیگران و تکالیف متقابل، تولی صالحان و تبری از انحرافات و منحرفان، اعتصام به ریسمان محکم و وحدت‌بخش امامت و ولایت به عنوان اصلی از اصول دین یا مذهب، امید به استقرار حاکمیت جهانی موعود امم و گام نهادن در راه تحقق نظام حکومت عدل جهانی، لزوم شناخت امام زمان % با هدف پرهیز از مرگ جاهلان، پرهیز از

همکاری و ورود به دستگاههای جور، اهتمام به تشکیل حکومت اسلامی و در حد امکان زمینه سازی برای ولایت صالحان و نیکان، عدم تمکین ولایت کافران، نصیحت ائمه مسلمین، اقامه عدل و قسط، اهتمام به امور مسلمین، رفع ظلم و دفع فساد، جهاد مستمر با ظالمان و مستکبران، نفی طاغوت و طاغوتیان، اجتناب از فساد فی الارض، شرکت در اجتماعات مسلمین، مشورت و مشارکت در امور حیاتی جامعه، ابلاغ رسالت جهانی دین و تبلیغ و ترویج آن نشانگر اهمیت پرورش سیاسی اند. ملاحظه سیره سیاسی پیامبر اکرم - و ائمه معصومین (ع) نیز، به وضوح نشان می دهد که آنان از بالاترین حساسیت نسبت به تربیت سیاسی آحاد جامعه برخوردار بودند و بر همین اساس بررسی سیره و رویکرد آنان برای هدایت و تربیت سیاسی جامعه حائز اهمیت است. بر این اساس، ضرورت پژوهش های فقهی در این باب برای اثبات حکم شرعی عوامل تربیت سیاسی از جمله حاکمان با توجه به نکات ذیل آشکار می گردد.

ضرورت پژوهش در این حوزه از آن جهت است که:

الف. طبق تعالیم اسلام انبیای الهی بعد از دعوت مردم به توحید، در پی نشر توحید و تحقق حاکمیت الهی و اقامه حدود الهی میان مردم بوده اند که لازمه این امر زمینه سازی و آماده ساختن مردم برای این امر از طریق تربیت سیاسی بوده است.

ب. حاکمیت و قدرت سیاسی که به تدبیر و اداره امور مردم می پردازد و تربیت که در پی پرورش استعداد های افراد برای رساندن آنها به کمال است، ارتباط دو سویه و نزدیکی دارند، یعنی برای اصلاح و اداره شایسته امور مردم تربیت آنها لازم است و وقتی مردم از تربیت سیاسی شایسته برخوردار باشند، تدبیر امور آنها در جهت کمال آسانتر است.

ج. پرورش سیاسی جامعه برای زمینه سازی برای شناخت بیشتر آرمان‌های سیاسی و جهت گیری به سمت تحقق آنها در زندگی شان و در مقابل مبارزه و نفی عوامل موجب فساد و اخلال در امور مردم است که از طریق تربیت سیاسی جامعه امکان پذیر است.

د. حکومت اسلامی ابزارهای متعدد مادی و معنوی، اقتصادی و اجتماعی و ... در اختیار دارد که از جهات مختلف می تواند اقدامات قابل توجهی نسبت به جامعه انجام دهد. در این زمینه به خصوص با توجه به ویژگی حکومت در تسلط سیاسی بر امور مردم و همچنین مصالح حیاتی حکومت اسلامی در مهیاساختن مردم برای همسویی و جلب همکاری مردم در تحقق اهداف حکومت، تربیت سیاسی مردم از اولویت و اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که در این صورت زمینه ای فراهم می شود که عناصر و تک تک افراد در کنار هم حول محور واحدی فراهم آیند و با پیروی از متابعت از رهبران خویش به وظائف سیاسی اجتماعی خود برای پیشرفت جامعه عمل کرده، مانع انحراف و انحطاط سیاسی جامعه و حکومت شوند.

ن. تربیت سیاسی در جامعه اسلامی با توجه به قشر عظیم و پرانرژی جوانان از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این حال عدم توجه به تربیت سیاسی مطلوب جوانان در ممالک اسلامی باعث هرج و مرج در در کشورهای اسلامی و تضعیف انسجام داخلی و بین المللی و فقدان تأثیرگذاری جهان اسلام در معادلات بین المللی شده است. فقدان بینش و بصیرت سیاسی آنها را به جای همکاری و مشارکت، به خشونت و حذف رقیب کشانده است، تا جایی که جان و مال مسلمانان از تعرض مصون نمانده فرصت های بزرگ و مهمی از دست می رود که موجب بازماندن امت اسلامی از جریان رشد و توسعه فرهنگی و سیاسی و انحطاط و عقب افتادگی آنها شده است.

و. با توجه به آنچه بیان شد، استنباط احکام مربوط به وظائف حکومت اسلامی در تربیت سیاسی مردم از سویی بیانگر جایگاه حساس حکومت اسلامی در قبال رشد و پیشرفت داخلی

و بین المللی جامعه است و از سوی دیگر به وضوح وظیفه شرعی حاکمان را در این ارتباط بیان می کند که این امر می تواند حاکمیت را برای ایفای وظائف تربیتی خویش برانگیزد. در پایان مناسب است به دو نکته درباره هدف و نوآوری این پژوهش اشاره شود: هدف اصلی این تحقیق، پژوهش فقهی درباره وظیفه حکومت اسلامی در تربیت سیاسی جامعه با ملاحظه شیوه مرسوم فقها در مواجهه با موضوعات و مسائل فقهی است، به نحوی که وظیفه شرعی حکومت اسلامی را در این ارتباط بیان نماید و گرچه در حوزه تربیت سیاسی از نگاه تربیتی یا سیاسی پژوهش هایی صورت گرفته اما تاکنون تألیف قابل توجه فقهی در قالب کتاب یا مقاله معتبر ارائه نشده است، بنابراین نوآوری این تحقیق می تواند در موارد ذیل باشد:

- بررسی وظائف حکومت اسلامی در تربیت سیاسی جامعه از منظر فقه و به شیوه فقهی.
- فراهم ساختن زمینه بسط قلمرو پژوهش های فقهی به عرصه سیاست و حکومت.
- کمک به توسعه و ایجاد همسویی بیشتر بین قلمرو مطالعات فقه تربیتی و سیاسی.

۴-۱. محدودیت های انجام پژوهش

معمولاً انجام پژوهش در هر عرصه ای، مشکلات عام پژوهشی و خاص مربوط به همان موضوع را دارد. در پژوهش حاضر نیز، با برخی محدودیت ها مواجه هستیم که به آن اشاره می شود:

الف: دشواری مربوط به تعیین حدود و تعاریف؛

در هر پژوهش گام نخست تعیین و بیان معنای عناصر پایه مسأله است که بسیاری از اختلافات در آراء به همین جا بر می گردد. تربیت سیاسی از یکسو به ساحت های تربیت